

من از زنبور می ترسم

(شعر بلند)



محمد مهدی نجفی

من از زنبور می ترسم

(شعر بلند)

نوشته‌ی

محمد مهدی نجفی



خودنشر

ناشر خود باشید!

شناسنامه

نام کتاب: من از زنبور می ترسم

موضوع: شعر

نویسنده: محمد مهدی نجفی

تصویر جلد: تفنگ

نوبت چاپ: سوم

تاریخ چاپ: نود و پنج

ناشر: خودنشر

چاپ اول: مجله دانشجویی بامداد، هشتاد و چهار

چاپ دوم: مایندموتور، هشتاد و شش

من از زنبور می ترسم

از این دکمه تا آن یکی / انگشت‌هایت چقدر سرگیجه‌اند / انگار تو را با این لباس‌ها تراشیده‌اند / با اخمی کنار ابروهایت / و خنده‌ای کنار لب‌هایت / کادر بسته شد: تیک / تا دکمه‌ی بعدی که می‌روی، نگاهم خیلی جاها می‌رود / من از دماغ تو افتاده‌ام که شاعر شده‌ام / و کاش قدرم را به اندازه‌ی قدت داشتی / نه بیشتر که سرم به سقف می‌خورد / مثل سرِ طاقچه که به سقف می‌خورد، از بلندی / آخرین باری که عکسات را آن‌جا گذاشتم خیلی بزرگ بودم / و حالا شاید مورچه‌ها خورده‌اند / مورچه‌ها همه‌چیز می‌خورند / آخرین باری که مرا خوردند نطفه بودم / داشتم فکر می‌کردم دختر بشوم یا پسر / که هیچ‌کدام نشدم / ممنوع‌الخروج شدم / ویزام مورچه‌ها خوردن / ده سال طول کشید تا دوباره نطفه شدم / تا آن‌وقت تمام دکمه‌هایت را بسته بودی /

یک پارچه چادر کم داشتی که لولو شده باشی / من هم چه زود
پسر شدم / از خیلی از چیزها می ترسیدم: / ۱- لولو / ۲- آب /
۳- تاریکی / ۴- زنبور

اما عسل، به چشم‌های تو رفته باشد می خورم:

سیاه سیاه
مثل تاریکی و لولو و اعماق آب
نیش زنبور هم سیاه است
تنها از زنبور می ترسم

بچه‌های همسایه زود بزرگ شدند / و با سنگ افتادند به جان
کندوها / زنبورها از بین دکمه‌های لباس‌ات به جان من افتادند /
جانم را برداشتم و جایی بین دکمه‌ها گم کردم / چشمانم را ته
استکان چای گم کردم / دستانم را دور کمرت گذاشتم که نبود /
یعنی گم شده بود / و قلبم / دیگر خیلی بزرگ شده بودم / گلیمم
را از آب می گرفتم / اما رودخانه می برد / قلبم را از مورچه‌ها
گرفتم / اما زنبورها بردند / بی دست و پا تر از من / هیچ کس به
دنیا نیامده / حتا نگاهم را گم کردم / کجا بود؟ / روی دکمه‌ی
بالایی؟! / و انگشت‌هایت / از این دکمه تا آن یکی / مواظب باش! /
زنبورها از انگشت‌هایت نفهمند / چشم‌هایت عسلی است / سیاه
سیاه / مثل تاریکی و لولو و اعماق آب / این‌جا ماهیگیری ممنوعه /
اگه نطفه می شی بسم الله

وقتی که نطفه بودم/ از تاریکی نمی ترسیدم/ با مورچه‌ها در آن تاریکی آشنا شدم/ و زنبورها را وقتی شناختم که با چشم‌هایت آشنا شده بودم/ و چشم‌هایت را وقتی شناختم/ که بزرگ شده بودم و دستم به طاقچه می‌رسید/ آن وقت‌ها کمی نطفگی کردم/ فکرم چرخید دور این که دختر بشوم یا پسر/ سرگیجه سرم را بالا انداخت/ بعد از هزار چرخ برنگشت/ بالای طاقچه ماند/ آن جا که عکست را گذاشته بودم/ مورچه‌ها دوباره برگشتند/ از سرم چیزی نماند جز دو تا چشم/ که می‌خواهد نگاهت کند/ می‌خواهد انگشت‌هایت را ببیند/ از این دکمه تا آن یکی/ انگار تو را با این لباس‌ها تراشیده‌اند/ مرا هم انگار روی طاقچه تراشیده‌اند/ هرچه بیشتر نگاهم می‌کنی/ دیوارتر می‌بینی‌م/ زنبوری خودش را به شیشه می‌زند/ و تو دوباره در آینه فرو می‌روی/

دستم را بگیر و از این فکر بیرون بیا/ بیرون پنجره/ لای گل‌ها/ زنبورها برایت عسل آورده‌اند/ مورچه‌ها برایت دو تا چشم پیدا کرده‌اند/ و انگار عروس، خاله سوسک من است/ پدرش گفته بود: پدر سوخته/ مادرش گر گرفته بود و سوخته بود/ و داماد/ تعجب نکن/ پسری بود که از نطفه‌اش سوسک شده بود/ اما من/ نه سوسک شدم نه پسر/ دو تا چشم شدم/ که سر از سینه‌ی دیوار

درآورده/ تو هم قورباغه‌ای بودی/ که هنوز، دست و پا، دست و پا نکرده بودی/ به جای ماهی گرفتمت/ اشتباها زنبور شدی/ یک‌پارچه زرد و قرمز و نارنجی زنبور شدی/ و هی به پنجره می‌خوری به جای عسل/ من خنده‌ام را می‌خورم/ به جای صبحانه‌ای که قسم می‌خورد/ لقمه‌ای دیگر از تو بگیرم/ می‌خندم که دیگر تمام شده‌ای/ عکست را مورچه‌ها خورده‌اند/ نمی‌خندم به خاطر صبحانه/ با دهان پر نباید خندید/ نباید حرف زد/ چشم‌هایت را روی دیوار می‌کشم/ با عسل و قاشق مرباخوری/ انگار تمام این شعر را گفته‌ام/ شما هم که ببینی/ انگار تمام این شعر را خوانده‌ای/ تازه سروده‌ام/ اما هنوز مانده تمام شود/ صبحانه‌ام را تازه خورده‌ام/ اما هوا هنوز تاریک است/ تو روی تخت خواب می‌بینی/ و من تمام شب چراغ خواب بودم و/ با مورچه‌هایی که چشم‌هایم را مته می‌زدند حرف می‌زدم/ با دهان پر حرف نمی‌زدند/ شاید به خرناسه‌های تو گوش می‌دادند/ که داشت خواب فردای تو را حرف می‌زد/ فردا قرار است قاب روی دیوار بیفتد/ و شکل چشم‌های من برایت تداعی شود/ می‌فهمی؟! این منم که پیشگویی می‌کنم/ از بالای بلندترین طاقچه‌ی این اتاق/ جایی که دست هیچ آدم‌بزرگی نمی‌رسد/ و پدرت قهرمان بسکتبال هم که باشد نمی‌فهمد/ این طاقچه پر از عنکبوت‌هایی است که زنبورها را می‌خورند/ درست حدس زدی/

من مرد عنکبوتی‌ام / از هیچی نمی‌ترسم / جز لولو، آب، تاریکی،
زنبور

اما غسل، به چشم‌های تو رفته باشد می‌خورم:

سیاه سیاه
مثل تاریکی و لولو و اعماق آب } تنها از زنبور می‌ترسم
نیش زنبور هم سیاه است

پس با همه‌چیز می‌توانم بجنگم جز زنبور / فردا که بیدار شدی /
قبل از این که بترسی صدایم کن / تا با دو سوراخ روی دیوار
بجنگم / بعد با خیال راحت / انگشت‌هایت را از این دکمه تا
آن یکی / آن قدر بیار و ببر / که دیوار هم عاشقت بشود / بعد به
جنگ دیوار می‌روم / و همه‌چیز سر تو خراب می‌شود

دستت را می‌گیرم و بیرون می‌آیی / بیرون این خرابه‌ها / زنבורها
برایت غسل آورده‌اند / مورچه‌ها برایت دو تا چشم پیدا کرده‌اند /
انگار عروس شده‌ای / این چشم را انگشتت کن / آن یکی را گردنت
بینداز / نه، نه، بگذار دکمه‌های پیرهنت باشند / این مردمک‌ها به
رنگ پیرهنت می‌آیند / به بی‌راهه‌های پیرهنت می‌آیند / با
انگشت‌هایت / از این دکمه تا آن یکی قدم بزن / پشت در داماد
قدم می‌زند / کم‌مونده سوسک بشه و / از زیر در بیاد تو / تو هم که

از سوسک می ترسی / مرا صدا می کنی و / من از سوسک نمی ترسم / کی می فهمد این سوسک کی بوده؟ / عاشق تو بوده / که حالا مورچه‌ها عاشقش شده‌اند؟ / یا عاشق تو بوده / که حالا مورچه‌ها عاشقش شده‌اند؟ / از این اتاق تو آینه‌اش را دوست داری / من طاقچه‌اش را / که می توانم ساعت‌ها / آینه شمعدانش باشم و برایت قیه بکشم / می توانم عاشقت باشم و / تمام زنبورها را مهتر کنم / تا هرچه عسل‌تر، شکلات‌تر، وانیلی‌تر، پاستوریزه‌تر، استریزه‌تر، بهداشتی‌تر، استانداردتر... / انقضایت را مورچه‌ها پیشگویی می کنند / من بی تقصیرم / مورچه‌ها هوای ابری، بارانی، برفی، صاف تا قسمتی ابری، و همه چیز را پیشگویی می کنند / حتی خواب‌های مرا تعبیر می کنند

تمام خواب‌های من / در فاصله‌ی بستن دو دکمه اتفاق می افتد / دکمه‌ی اول هنوز دوشیزه‌ای / و دکمه‌ی دوم: واقعا متاسفم / فرزندان حرامزاده‌ی خوشگلی است / که صدای زنبور می کند / انگشت شستش را مورچه‌ها خورده‌اند / و دیگر نمی تواند مثل شما / با دکمه‌هایش بازی کند / حالا سعی کن یاد بگیری / گیتارت را بدون شست بزنی / یا وقتی می رقصی / دامن‌ت را با چهار انگشتت بالا بزنی / یک توصیه‌ی اخلاقی: شلوار بپوش / مشروب هم شرمنده‌ام / با آن یکی دستت یاد بگیر / نوشته‌ام

راست دستی/ پس قلم بی قلم/ شعرهایت را تایپ کن/ من شعرهایم را فین می‌کنم/ آخ... تف/ انگشت‌هایم را نذر کرده‌ام برای امامزاده نسبش را بشمرد/ چه فایده/ حرامزاده حلالزاده نمی‌شود/ باید دوباره نطفه که شد/ مورچه‌ها که خوردند/ نطفه‌ی دیگری که شد/ فکر کند دختر بشود یا پسر/ و آن وقت/ پرواز شماره ۱۳۰۲/ صادره از کاشان/ باند دستت را باز کن و/ به جای کمر بند محکم کن/ این یک فرود اضطراری است/ خیلی‌ها از این فرودها سالم ننشسته‌اند/ و چقدر شانس نداری که تمام بدنت شکسته/ تو را در این جرز دیوار گچ می‌گیرند/ و فقط چشم‌هایت پیدا است/ خوب شد عکست را قاب کردم روی دیوار/ که چشم‌هایت پیدا نباشد/ و فردا چه کار کنم/ اگر قاب عکس بیفتد/ چشم‌هایت را که مورچه‌ها خورده‌اند/ و حالا شده دو تا حفره‌ی سیاه/ دو تا کندو/ نکند موهای عسلی‌ام را زنبورها ببینند/ آهای مرد عنکبوتی!/ من از عنکبوت می‌ترسم/ شما که از زنبور می‌ترسید کمکم کنید/ دستم را بگیرید/ وقتی عروس شدم/ عروسک‌تان می‌شوم/ شستم بشکنه اگه دروغ بگم/ اما متاسفم/ دکمه‌ی دوم/ دکمه‌ی سوم/ باید بروم/ شما با دکمه‌های‌تان بازی کنید/ شاید زد و از بین‌شان زنبور آمد/ اگر از ترس نطفه شدی/ صبر کن تا آب‌ها، آسیاب مرد دیگری را بچرخاند/ آن وقت بچرخ دور این که دختر بشوی یا پسر/ از من

می شنوی بشنو/ اگر نه از نی بشنو/ که چگونه زنبورها را از کندوهایشان بیرون می کشاند/ و به آن ها فرمان می دهد چگونه روی گل ها بنشینند/ و انگار فرمول آب های بهشتی را دزدیده اند/ که عسل، عسل می شود/ پس حوریه های مو عسلی حرامزاده اند/ و هر آن کس به آن ها بپیوندد در آتش است/ اما من نمی ترسم/ از هیچی نمی ترسم/ جز لولو، آب، تاریکی، زنبور اما عسل، به چشم های تو رفته باشد می خورم:

سیاه سیاه
 مثل تاریکی و لولو و اعماق آب
 نیش زنبور هم سیاه است
 تنها از زنبور می ترسم

نمی دانم آینه دیگر کیست/ که این قدر شبیه تو می شود/ و مثل تو/ انگشت هایش را/ از این دکمه تا آن یکی/ می برد، می آورد/ تو را با خودش می برد/ تو را در خودش می آورد/ در او فرو می روی و دیگر تمام/ حالا اگر آینه بشکند/ هزار تا بچه می زایی/ که در نطفه حرف می زنند/ و می گویند/ مادرمان دوشیزه است/ چطور باور کنم؟/ مگر صلیب را به مسیح نکشیدند/ پس باید آینه را سنگسار کنیم/ اولین سنگ را خودم می شوم/ می دانم کجایت را لگد کنم/ دومین سنگ را چه کسی می زند؟/ خودِ سنگ می زند/ جایی بزن که صدای زنبور کند/ و عسل از موهایش شره کند/

کوتاه بیا آینه‌ی قدیِ قدّ تو نیست! / آدم‌های توی آینه اغلب خوشگل‌اند / تو هم که خود آینه‌ای / از بس خوشگلی / با این موهای عسلی که داری می‌بافی‌شان / و زیر لب آهنگ می‌زنی / آهنگ زنبوری که عاشق شد / مطمئنم به گوش‌تان نخورده / وقتی آهنگساز شدم می‌سازم / با ده‌تا زنبور عسل / یک قابلمه / دو تا قاشق / و یک سوپرانو که می‌گوزد / آهنگ تمام شد / و تو همان‌طور روبه‌روی آینه با انگشت‌هایت / از این دکمه تا آن یکی / دکمه‌هایت را هرچه می‌بندی / تمام نمی‌شوند / آن قدر بزرگ شده‌ای / که دستات به طاقچه می‌رسد / و می‌توانی عنکبوت‌ها را تمشک ببینی و بچینی / می‌توانی مرا دو تا چشم روی دیوار ببینی و / آن‌ها را سوراخ کنی / و همه‌چیز را از آن سوراخ‌ها ببینی / قبل از این‌که سرپناه مورچه‌ها بشود / من گرم، کورم / می‌توانی امشب / رواندازت را از پنجره آویزان کنی / تا چشم خدا هم کور بشود / از آفریدنت / می‌توانی به تمام این‌ها فکر کنی / شاید از این‌رو به آن‌رو شدی / کمتر از سکه که نیستی / قلک که نیستی یا صندوق صدقه / اسکناس عسلی رنگی هستی / که زنبورها عاشقش شده‌اند / و خوش‌به‌حال زنبورها که از تو نمی‌ترسند.

آخرین باری که از تو ترسیدم / خیابان بود / ماشین‌ها فرار می‌کردند / میرداماد / میرداماد / میرداماد / دربست / دربست / علامت بدی بود / که ماشین‌ها را می‌شمردی / زیر چشمی بو برده بودی / بی‌دست و پا تر از من / هیچ‌کس به دنیا نیامده / گم شده بودیم / یا پیاده‌رو ترسید و بن‌بست شد / هیچ‌وقت نفهمیدم / پل عابر پیاده را نشان کرده بودم / گفתי نشان غربت است / موافقم عزیزم / با من یکی به دو نکن / این ماشین‌ها از تو می‌ترسند / ماشین‌ها که زنبور نیستند / حتا اگر شش ضلعی باشند / تو چند ضلعی هستی؟ / چرا نشد بپرسم / این نیمکت چگونه؟ / هم سایه‌اس / هم خلوت / خودت خوبی / تو خوب‌تری / با من یکی به دو نکن / هر دو از زنبور می‌ترسیم / من بیشتر / گفته بودم مرد عنکبوتی نیستم / از زنبور هم می‌ترسم / اما مورچه‌ها را لگد نمی‌کنم / قرار شده قبل از عقرب‌ها جسد من را میل کنند / قول دادن / چی میل داری؟ / هیچی / آقا! دو پرس هیچی / نه به خدا گرسنه‌ام / خب چهار پرس هیچی / سه تا مال تو، یکی مال من / آخه بزرگ‌تری بچه‌ننه! / وقت ملاقات دیگر تمام شد / یک ملاقه‌ی دیگر بریزیم / تا بدرقه‌ات کنم / آه ژولیت / انگار یک ترن همیشه دور این شهر را می‌زند / این صدا چرا تمامی ندارد / به تمام ماشین‌ها قسمت می‌دهم / وردی بخوان / این نیمکت بپرد / ما را جایی پیاده کند / که این آرشه این قدر روی استخوانم نپرد /

میان کلامت/ حالا پرانتز را ببند/ بگو خداحافظ/ ماچ/ رفتی به سمت قوطی کبریت‌های چند طبقه/ من به سمت قوطی کبریت و پاکت سیگار/ این دو خط را همان موقع گفتم/ ایستگاه مترو، پل صراط شده بود/ گفتم می‌ترسم/ با من یکی به دو نکن/ پاییز که شد ترسم می‌ریزد/ اگر پاییز بیاید/ دیدی نیامد/ سر کار بودم با این همه بیکاری که بیداد می‌کند/ باز بگو بدشانسم/ بزنم به تخته/ نه در می‌زنی نه تلفن/ چند می‌دی زنگ این خونه رو بزنم جیم بشم؟/ جیم پسر خوبیه/ از این کارا نمی‌کنه/ اما جرج خیلی بده/ آه ژولیت!/ چقدر خوبی/ بیا سوار این مترو، تهران را متر کنیم/ شاید جای بهتری پیدا شد اجاره کنی/ گفتمی چقدر می‌تونی پیش بدی؟/ من که از تو توقعی ندارم/ فقط قوه دارم که شعرم بیاید/ دیدی نیامد/ دوباره بزن به تخته/ خیلی کار بلدم/ می‌تونم زنبورا رو وسط هوا هیپنوتیزم کنم/ فقط باید ترسم بریزه/ پس برو پاییز بیا/ مرده و حرفش!/ حالا کی قرار است پاییز لیز بخورد/ از تقویم دیواری روی میز؟/ لابد وقتی ملکه، زنبورهای نگهبان را می‌شمارد/ بیا موهایت را بریز روی میز تا بشمرم/ با همین ده تا انگشتم/ تا ثابت کنم هیچ بی‌نهایتی وجود ندارد/ مگه خدا چند تاس؟/ چند برابر موهات؟/ بگو تا بشمرم/ با همین ده تا انگشتم بشمرم/ که دنبال بهانه می‌گردد/ سر تا پای تو را مورچه برود/ شانه‌هایت ظریف‌تر است

یا موهایت / بازوهایت یا جسارتن رانهایت / فرقی نمی کند / اما مورچه باشم بیشتر می فهمم / برای زنبورها هم فرق ندارد / کجا را نیش بزنند / اما می فهمند / می فهمی دخترم!؟! / آگه یه روز روسپی شدی / هوای باباتو داشته باش / بابات دیگه پیر شده / ستون هایم مهره مهره شده اند / دردم را این طاق های ضربی می دانند / که قطار قطار میخ کوب هم شده اند / میخم را به واگن چند بکوبم راضی می شوی؟! / سوزن بان!! / بلدی نخ به سوزن کنی؟! / می خواهم مرا به این قطار بدوزی / محض رضای خدا این ترمز را بکش!! / دخترم جا مانده / وقتی نطفه بود / مورچه ها ویزایش را خوردند / نمی دانم چند سال طول می کشد / وقتش که می شود / شکمت صدای زنبور می کند / باور کن / از مادرت که آبستن شدی / ابروهایم را کمانچه کردم و رقصیدم / شکمت تنبک می زد و / آخ که چقدر پا می داد با انگشت هایش / این نطفه را برایت ایمیل می زنم / قول داده پسر خوبی می شود / ستاره ها قسم خورده اند / پسر خوبی می شود / عقده ی اودیپ هم ندارد / این را شهریار می گفت / نمی دانست / همیشه دست هایم کنار پاهایت گم می شود / وقتی با انگشت هایت / دکمه هایت را می شمری و به ده ثانیه نمی رسد / چه تن قشنگی زیر لباست کرده ای؟! / آینه از قول چشم های من می گفت / من از قول آخرین باری که مرد شده بودی / چقدر از زنبور می ترسیدی / که حتا روی آینه ها پرده

کشیدی / ستاره‌ها قسم خوردند / این مرد دوشیزه است / آخه ای
شاعر ماعر / بکش بیرون از این مرد و زن گفتنا / مهم همونیه که
انگشت خدا درست کرده / بشکنه این انگشت که فلفل نداشت / و
گرنه تا عرش می‌دویدی / عرش من بالای همان طاقچه بود / که
عکست را گذاشته بودم / زیباتر از تمام فرشته‌ها / چمباتمه زده
بودی / انگار می‌خواهی آدم را سجده کنی / اما آن قدر تار بسته‌ای /
که یک ثانیه هم تکان نمی‌خوری / خدا را برق می‌گیرد / و من
روی طاقچه چراغ‌نفتی می‌گذارم / تمام زنبورها دور چراغ
جمع‌اند / و بوی نفت مست‌شان کرده / مرا رنگ عسل مست
می‌کند / تو از چی مست می‌شی؟ / از بوی جنازه‌ی اسبی مثل
من؟ / یا از بوی جنازه‌ی اسبی مثل من؟ / خوب که بو می‌کشم /
استخوان که بو ندارد / چه رسد لای جرز دیوار / تنها دو تا چشم
باشد / اتکلن که می‌زنی / تمام اتاق مست می‌شود / در دیوار
می‌شود و دیوار در / سوراخ‌های روی دیوار چشم‌های من
می‌شوند / تو و مادرت یکی می‌شوید / پنجره فکر می‌کند آینه
شده / لولو و آب و تاریکی و زنبور، زنبور می‌شوند / عینکم
میکروسکوپ می‌شود / مرد عنکبوتی، دانشمند / و این اتاق انگار
باغ‌وحش بوده / که حالا باغ‌وحش شده / با این‌همه صورتک که
می‌زنی و مست می‌شوی / یه سوال! / تو از چه خستی آدم
شده‌ای و از خشتک کی گُل کرده‌ای / که این قدر خوشگلی؟ /

- هر جونوری هم که باشی - / خشت طلا / خشتک مامان / زنبور
پر تلایی / تو که نباشی / قیمت طلا می ره بالا / پول از کجا بیارم /
دکمه ی تلایی بخرم واسه انگشتات / از اونجا که دوسم داری /
آره / ولی هیچ وقت نفهمیدم اون جا کجاس که زنبورا می رن تخم
می ذارن / من روی انگشت هایم تخم گذاشتم / روزی که اردک
شدی فهمیدم چند تخته کم داشتم / تمام جنگل ها را هم قطع
کنید / تخته ی تخت خواب تو می ماند / که باید بزخم به آن / آخه
پاییز شده / نه انگار از زنبور می ترسم / کسی هم نگفت / این زنبور
یک زن بود / یک زن بور بود.



خودنشر
ناشر خود باشید!